



۲۰۲۲/۰۵/۱۰



میر عبدالواحد سادات

رابندرات تاگور

به بهانه زاد روز شاعر و آزادیخواه سترگ

رابیندرانات تاگور از ادیخواه بزرگ، نویسنده سترگ ادبیات مدرن هندوستان و در مقیاس جهان، شاعر بزرگ و رمان‌نویسی، فیلسوف، موسیقیدان، دریافت‌کننده دوکتورای افتخاری اکسفورد و نخستین شخصیت از قاره آسیا است که برنده جایزه نوبل گردیده است.



اندیشه او بر بسیاری از بنیانگذاران هند مستقل و از ادیخواه همانند نهرو، مولانا عبدالکلام آزاد، خان عبدالغفار خان... بيشمول گاندی تاثیر فراوان گذاشت و شخصا الهام بخش بسیاری از انقلابیون و مبارزان راه آزادی و ترقی بود. همو بود که گاندی را به لقب مهاتما (روح بزرگ) مسمی نمود و یکی از عوامل تأثیرگذار در پیروزی گاندی شناخته می‌شود.

هندیان از روی علاقه‌ای که به تاگور داشتند به او لقب گوردیو («Gurdew» پیشوا) داده‌اند.

تاگور برای گاندی احترام زیاد داشت و او را به «مهاتما» یا روح‌بزرگ، ملقب ساخت. اما در مقابل نظرات گاندی همیشه اندیشه‌های خود داشت و از آن دفاع میکرد.

چنانچه می‌گفت:

با تمام احترامی که به مهاتما دارم، حق فردي خود مي پندارم که به عنوان مخاطب، معترض باشم، و از بیخ و بُن با بعضی نظریات شان مخالفت کنم؛ زیرا پناهگاه من "ملت" نه، بل "بشریت" است. "بشریت" مجموعه‌ی بی از گل هستی است؛ تنها ایستادن بر سکوی اندیشه ملی، نیاز ما را به حیث انسان جهانی بر آورده نمی‌سازد.

و اساس آئینش را بر آموزشهای اخلاقی نهاد

او بر خلاف گاندی، حل مشکلات هند را فقط در تغییر هیئت حاکمه نمی‌دید و خاطر نشان می‌ساخت:

«مشکل اصلی ما حکومت و حاکم نیست. اگر می‌توانی فرهنگ مردم را دگرگون کن». بر پایه همین نظریه تا توانست در شهرهای مختلف هند، مدرسه و دانشگاه ساخت.

شاید به همین دلیل می‌گویند:

«امروز هند بیش از آنکه و امدار استقلال‌طلبی گاندی باشد، بر سفره آینده‌نگری تاگور نشسته است.»

در نوشته‌ای که برخی‌ها آن را زندگینامه و برخی دیگر وصیتنامه‌اش می‌دانند، درباره خودش چنین می‌گوید :

«شناخت واقعی خود آسان نیست... نه فیلسوف هستم و نه رهبر... کسانی هستند که پیامبران سپیدی و مظهر پاکی بوده‌اند... قلب خود را میان گل، خاک و علف و در میان درختان... خالی کردم... آنانی که در قلب خاک آشیان گرفته‌اند، کسانی‌اند که خاک را شکل داده‌اند، راه رفتن را بار اول بر خاک فرا گرفتند و در فرجام، سرهای خود را بر خاک می‌نهند و می‌آرامند... من دوست آنانم... من شاعرم»

سرود های ملی هند و بنگاه دیش ، از اشعار ناگوار انتخاب شده است .

رابیندرانات تاگور شاعر بزرگ شرق و شخصیت فرهنگی و عرفانی محبوب شرقیان به زبان های هندی و بنگالی شعر می‌سرود و اشعار خود را به انگلیسی نیز برگردان می نمود .

اشعاری نغز او در زبان و ادبیات شبه قاره هند انقلاب پدیدآورد. به ویژه اشعار معروف به گیتانجالی که به زبان‌های بسیاری ترجمه شده‌است. تاگور بخاطر همین اشعار در سال (۱۹۱۳ م) (جایزه نوبل را در ادبیات دریافت کرد .

خوشبختانه تعداد از آثار تاگور بشمول کتاب پر شهرت گیتانجالی به زبان دری برگردان گردیده است . در افغانستان و در بین افغانان شهرت تاگور با داستان معروف «کابلی والا» پیوند خورده است .

منحیث حسن ختام سخنان ازین بزرگمرد و شاعر همه زمانه ها متذکر میشوم :

-زرتشت به وسیله فلسفه خود بشر را از بار سنگین مراسم ظاهری آزاد ساخت

-امید ، نان روزانه آدمی است

-سعادت حقیقی را در عشق جستجو کنید

-آن که نهالی غرس کند . با این که می داند هرگز در پناه سایه آن نخواهد آرمید

دست کم به پویشی در فهم فلسفه حیات کوشیده است

-آن که از قضاوت می ترسد ، از عدالت نیز ترسیده است

با حرمت



برای مطالب دیگر میر عبدالواحد سادات روی عکس کلیک کنید